دستور بدوی \شكلبند

وفا خلیقی ۲۰ بهمن ۱۳۹۲

توضيح

شکل کلی فرمان \شکلبند به صورت زیر است:

 $l_n i_n \dots l_T i_T l_1 i_1 n =$ شکلبند

- ۱. میک عدد صحیح مثبت میباشد که تعداد بندهایی را مشخص میکند که دارای طول n . امیباشد. در اینجا $k \leq n$ میباشد.
 - ۲. هر l_k مقدار طول بند kام می باشد بنابراین l_k مقدار طول بند ۱۹ می باشد.
- ۳. هر i_k مقدار تورفتگی حاشیه چپ بند kام میباشد بنابراین i_k مقدار تورفتگی حاشیه چپ بند i_k میباشد.
- ۴. اگر پاراگراف کمتر از n بند داشته باشد، مشخصات اضافی نادیده گرفته خواهد شد و اگر پاراگراف بیشتر از n بند داشته باشد، مشخصات بند nام $(i_n$ و (i_n) برای باقی بندها تکرار خواهد شد.
 - ۵. برای خنثی کردن اثر فرمان ∖شکل بند، فرمان ∖شکل بند= و را قرار می دهیم.

یک نمونه

مأخذ اصلى فردوسي در بهنظم كشيدن داستانها، شاهنامه منثور ابومنصوري بود که چندی پیش از آن توسط یکی از سپهداران ایران دوست خراسان از روی آثار و روایات موجود گرد آوری شده بود. فردوسی در شاهنامه از پنج راوی شفاهی نیز به نامهای آزادسرو، شادان برزین، ماخ پیر خراسانی، بهرام و شاهوی یاد کرده که او را در بازگوکردن داستانها یاری رساندهاند اما ذبیحالله صفا استدلال کردهاست که به احتمال فراوان راویان یادشده مربوط به روزگاران پیشین بوداند و فردوسی به جهت احترام از آنان سخن به زبان آورده و هیچکدام معاصر با حکیم طوس نبودهاند. مأخذ اصلی فردوسی در بهنظم کشیدن داستانها، شاهنامهٔ منثور از پنج رای شفاهی نیز به نامهای آزانسره، نبودهاند. مأخذ اصلی فردوسی در بهنظم کشیدن داستانها، شاهنامهٔ منثور شاهان برزین، ماخ پیر خراسانی، بهرام و شاهوی ابومنصوری بود که چندی پیش از آن توسط یکی از سپهداران ایران دوست خراسان از روی آثار و روایات موجود گردآوری شده بود. فردوسی در شاهنامه از پنج راوی شفاهی نیز به نامهای آزادسرو، شادان برزین، ماخ پیر خراسانی، بهرام و شاهوی یاد کرده که او را در بازگوکردن داستانها یاری رساندهاند اما ذبیح الله صفا استدلال کرده است که به احتمال فراوان راویان یادشده مربوط به روزگاران پیشین بوداند و فردوسی به جهت احترام از آنان سخن به زبان آورده و هیچکدام معاصر با حکیم طوس نبودهاند. مأخذ اصلی فردوسی در به نظم کشیدن داستان ها، شاهنامه منثور ابومنصوری بود که چندی پیش از آن توسط یکی از سیهداران ایراندوست خراسان از روی آثار و روایات موجود گرد آوری شده بود. .

مأخـذ اصـلـی بــردوســی در بــهنــظـ . کشیدن داستانها، شاهنام ایران دوست خراسان از روی آشار و روایات موجود گرد آوری شده بود. فردوسی در شاهنامه یِّ خـرانســان از روی آثـــار و روایــات یاد کرده که او را در بازگوکردن داستانها پاری رساندهاند اما دبیحالله صفا استدلال کردهاست که به احتمال فراوان راویان پادشده مربوط به دونکسال فروان راویان پدانسده مربیوی به جهت احترام از آنان سخن به زبان آورده و هیچکنام معاصر با حکیم طوس نیبودانند گروماست که به احتمال فراوان راویان بادشده مربوط به

روزگاران پیشین بوداند و فردوسی به